

رابطه بین مردسالاری و خشونت خانگی علیه

زنان در شهر کوهدشت

**An Investigation into the Relationship
between Patriarchy and Violence against
Women in Koohdasht**

Akbar Zare Shahabadi¹, Yaser Nadarpoor²

اکبر زارع شاه‌آبادی^{*}، یاسر ندرپور^{**}

Introduction: Family as the most important social institution has been a major concern of cultures, religions, and nations. This social institution plays a key role in raising children and transmission of culture, customs and beliefs to future generations. Familial violence particularly when it is used against women results in disorders which prevent this social institution from playing its role as expected. One sort of familial violence is violence against women. Historically, from the beginning of human life on the earth, familial violence against women has been always the case, in various degrees and severities depending on cultures and societies. Patriarchy is one of the traditional way of leading a family which in more cases ends in familial violence against women. The aggression of men toward women shows itself as a natural phenomenon in different ways such as being sensitive to the appearance of woman that in more cases lead to harassment. The present study aimed to investigate the relationship between patriarchy and familial violence against women.

مقدمه: خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که از دیرباز مورد توجه فرهنگها، ادیان و اقوام مختلف بوده است. این نهاد نقش موثری در تربیت فرزندان و انتقال فرهنگ، آداب و باورها به نسلهای آینده دارد. اما بروز خشونت در خانواده و به خصوص علیه زنان سبب ناسازگارتهای می‌شود که این نهاد اجتماعی را در ایفای نقش خود دچار مشکل می‌کند. یکی از شیوه‌های اعمال خشونت در خانواده، خشونت خانگی علیه زنان است از دیدگاه تاریخی از زمانی که انسان بر روی این کره‌ی خاکی زندگی را آغاز کرد خشونت خانگی علیه زنان وجود داشته است و لسی شدت و ضعف آن در جوامع و فرهنگهای گوناگون متفاوت بوده است. مردسالاری، یک روش سستی در اداره خانواده است که در بیشتر موارد منجر به خشونت خانگی علیه زنان می‌شود و به شیوه‌های مختلفی از قبیل حساس بودن به ظاهر زن، آزار زن به گونه‌های مختلف، طبیعی بودن پرخاشگری مردان نسبت به زنان و ... خود را نشان می‌دهد. هدف این مقاله بررسی رابطه بین مردسالاری و خشونت خانگی علیه زنان است.

روش: مطالعه حاضر با روش پیمایش در بین ۱۹۴ نفر از زنان متأهل شهر کوهدشت که بر اساس روش‌های نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی نظام‌مند انتخاب شده بودند، انجام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته است.

1. Ph.D in Sociology
2. M.A in Sociology,
<nadarpoor@gmail.com>

* دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه یزد
** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، (نویسنده
مسئول) <nadarpoor@gmail.com>

Method: In the present study, data was collected through a questionnaire was filled in by 194 married women living in Koohdasht. Stratified and systematic sampling were used to select participants.

A researcher-designed questionnaire was used to collect data. The validity was confirmed by content validity and stability of the questioner was assessed by Cronbach's alpha test that its rate for familial violence against women was 0.890 and its rate for patriarchy was 0.685. Data was analyzed using SPSS 21. So, for describing data we used frequency percentage and for explanation of data we used Pearson's correlation coefficient and then analyzed multiple regressions and analyzed the variable path.

Findings: According to descriptive findings, the average age of respondents was 35.44. Considering their level of literacy, 21.7 were illiterate and 78.3 were literate. Among the four dimensions of violence (mental, physical, financial and sexual), mental violence was found to be the highest type (with average of 29.28 percent) and sexual violence was found to be the lowest type (with average of 13.22 percent). Results of a Pierson analysis on data indicated a positive correlation and a meaningful relationship between patriarchy and familial violence against women. So, that men with stronger patriarchal beliefs use more violence against women than those with moderate patriarchal beliefs. While there was a positive correlation between education, age, and familial violence women, it was not meaningful relationships.

روایی پرسشنامه با اعتبار محتوا تأیید گردید. و پایایی را با آزمون آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار دادیم که میزان آن برای خشونت خانگی علیه زنان ۰/۸۹۰ و مردسالاری ۰/۶۸۵ برآورد شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نرم‌افزار SPSS21 مورد استفاده قرار گرفت. به طوری که برای توصیف داده‌ها از درصد فروانی و برای تبیین داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و سپس به تحلیل رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر متغیرها پرداختیم.

یافته‌ها: بر طبق یافته‌های توصیفی میانگین سنی پاسخگویان ۳۵/۴۴ سال بود و در زمینه تحصیلات ۲۱/۷ بی سواد و ۷۸/۳ باسواد بودند. از بین چهار بعد روانی، فیزیکی، مالی و جنسی خشونت خانگی علیه زنان، خشونت روانی با میانگین ۲۹/۲۸ بیشترین و خشونت جنسی با میانگین ۱۳/۲۲ کمترین میزان خشونت را به خود اختصاص دادند. از نتایج یافته‌ها مشخص شد که مردسالاری همبستگی مثبت و رابطه معناداری با خشونت خانگی علیه زنان دارد. به طوری که با افزایش حاکمیت مردسالاری خشونت نسبت به زنان افزایش می‌یابد و با کاهش سلطه مردسالاری خشونت نسبت به زنان نیز کاهش می‌یابد. ولی دو متغیر تحصیلات و سن زن و مرد هر چند که همبستگی مثبتی با خشونت خانگی علیه زنان دارند ولی رابطه معناداری بین آنها مشاهده نشد.

بحث: بنابراین بر اساس یافته‌های پژوهش، این تصور غلط عامه مردم که برابری زن و مرد سبب پایین آمدن منزلت مردان می‌شود به حاکمیت فرهنگ مردسالاری در خانواده و جامعه تداوم می‌بخشد و زمینه را برای افزایش خشونت خانگی علیه زنان فراهم می‌کند. از طرفی همانطور که خانواده اولین مکانی است که شخصیت فرزندان در آن شکل می‌گیرد و فرزندان والدین و بزرگترها را به عنوان الگوی خود قرار می‌دهند؛ لذا جو حاکم بر خانواده و نحوه برخورد والدین با همدیگر بر روی رفتار فرزندان در آینده تأثیرگذار است.

Discussion: Findings of the study suggests that behind familial patriarchy is the wrong popular belief that equality between men and women is equal to the downgrading of men's status. These wrong beliefs contribute to the continuing dominance of the patriarchal culture in family and society and pave the way for increasing violence against women. Since the family is the first environment in which the character of children is formed and the children idolize their parents and other adults, the dominant atmosphere of family and the behavior of parent influences on the behavior of children in their future families. As an example the son of such family learns that for achieving its demands use violence against his wife and children. And girls learn from fathers' patriarchal behaviors to be more submissive so that they come to see violence a natural right of men. So it is recommended that families be made aware of consequences of patriarchy through education and consciousness raising via different tools such as media and social networks. As a result of decreasing degrees of patriarchy we can hope that violence against women will be reduced considerably and making the family a cozy context for woman and children too.

Keywords: Familial violence against women, Mental violence, Patriarchy, Sexual violence, Stratified sampling

به نوعی فرزندان پسر با مشاهده رفتار مردسالارانه یاد می‌گیرند که در آینده خود نیز جهت دستیابی به خواسته‌هایشان، نسبت به همسر و اعضای خانواده خود از خشونت استفاده کنند. و فرزند دختر نیز با مشاهده رفتار مردسالارانه می‌آموزد که بیشتر مطیع باشد و خشونت را به عنوان حق طبیعی که مرد بر روی او اعمال می‌کند بپذیرند. از این رو توصیه می‌شود با آموزش و آگاه‌سازی خانواده‌ها با استفاده از رسانه و شبکه‌های اجتماعی و برجسته‌سازی عواقب مردسالاری از ساطه آن بر محیط خانواده جلوگیری شود. که در نتیجه کاهش مردسالاری در خانواده از خشونت نسبت به زنان نیز کاسته خواهد شد و خانه به محیط امن و کانون گرمی برای همسر و فرزندان تبدیل می‌شود.

واژگان کلیدی: خشونت جنسی، خشونت

خانگی علیه زنان، خشونت روانی، مردسالاری،

نمونه‌گیری خوشه‌ای

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۱

تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۱۷

مقدمه

حدود نیمی از جمعیت کره زمین را زنان تشکیل می‌دهند که متأسفانه در طول تاریخ مورد بی‌مهری فراوان قرار گرفته‌اند و معمولاً از خشونت همسرانشان در امان نبوده‌اند.